اقتراح







فرازوفرودجامعه ایرانی درنگاهی جامعه شناسانه به ادبیات ایران مدرن ۱۳۴۰–۱۳۳۲ (بخش دهم)

بیهویتی **و پوچی در نسل ر و به تباهی**

عرفانی: ۲)ادبیات پوچی / پـوچ نما؛ اگزیستانسیالیست؛ ۸)طنزپردازی، با ۳)دبیات وهمی / سوررثالیسم: ۴)ادبیات دو زیرمقوله طنز تلخ و سـیاه، طنز شاد. در گفتار پیشین بیان شد که کودتای ۲۸ مرداد و جریانات پس از آن سبب شد ۱) ادبیات گریز: بازیر مقوله هایی چون افسانه پردازی (افسانه های تمثیلی)، يليدشهري/ بيمار گونه)؛ ۵)نا تور اليسم؛ اسطورہ پردازی، عرفان گرایے واكنشهاي نويسنده بهعنوان شخصي مضامین و مفاهیم یا ساخ متماعی بــه چندین صورت بــروز یابد:

ایورنوگرافسی/ادبیات هرزهنسگار؛ ۷)



اما تنهامورد نخس

نوشتار بدان اشار هشد؟ علت این همرنگی چیست؟ شاید

بتوان گفت که یکی از عوامل آن تأثیر نفوذ نظام سیاسی بر فرهنگ مردم است و تحمیل شرایط غیردموکراتیک،

غيرقانونى وغيرانسانى كهمانع تعاملات دوسويه حكومت

تُمىشُودُودرنهايتجامعهبيمار راشُكُلٌ مىدهُد

ىكى دىگر أ; نشأنههاى ادىيات سمار گونه كه منحر به

یسی بیس را را سب سی دیبیت بیبدار بود. تبلور پورنوگرافی یابه شکلی ساده تر ادبیات هرزه نگار (به لحاظ معنایی واژه مدنظر است) می شود، بیان تمایلات

بیمار گونه جنسی در آثار این دوره است که گاه در آثار ناتورالیستی هم دیده می شود و بنابر جبر موجود در آن،

علتبسيارى إزمسائل، جبر غريزه جنسى مطرحمى شود؛

مانند «تکبت» نیرمحمدی. تمایلات جنسی یکی دیگراز راههای گریز شـخصیتهای داســتانی و روشنفکران

ین دوره اتحطاط است که از نقطه نظر نیگاه به زنان

یں صورت صحت صحت سے ارحت صر صحت و روست حایزاہمیت است. آحاد جامعہ و روشنفکر این زمان در

راستاىهمرنگىبەجهتدلزدگىوتسكين آلامبه آزادى

عشق های ممنوع هم می گرایند، مانند «مهمان» فرسی

ے و هوسهای تنانه روی می آورند؛





ساعدىعموماازاين كيفيت برخور دارند» [۴].از مضامين

زهرا رامهران تحولاتسیاسی واجتماعی پس از کودتا، سرخوردگی و یاس آحاد جامعه و روشنفکران را در پی داشت.

ت م تریــن اثرات این ســرخور دگی و ناامیــدی، بروز ـاس پوچی و بیهودگــی همگانی بود کــه در آثار ز مهم تریسن اثرات این ً داستانی روشُنفکراُن نویسـنده به گونه اُدبیات پوچُنماً ظاهر گشت. بد نیست گفته شــود که ادبیات پوچی به ژانری «اطلاق می شود که به نحوی بر پوچی، بیهودگی، رسری استموی هی سود ته به نصوی پر پوچی، پیهودنی، یم معنایی و بی هدفی شــرابط هســـتی و زندگی اسال تاکید دارد [ــ آن] حاصل داگر گونی های عظیمی بود کماز داگر گونی های اجتماعی، اقتصادی وفلسفی [نشأت می گرفت، باظهور اگزیستانسیالیست:مبین آن شد آکه نسان موجودی تنهاست و به طرزی خفت بار در جهانی بیگانه و تنها، رها شده است. جهان هستی فاقد هر گونه ارزش، حقیقت یا معنای انسانی است، زندگی انسان گُذُری است که از هیچ آغاز می شود و به هیچ می انجامد و انسان موجودی غیز ده و بی هدف است. [..] انسان، در جُهانی که به یکباره از فُریبُها و امیدها تهی شده، خُودُ را بیگانه می یابد زندگی او تبعیدی ناگزیر است[_] تسسانی که از تمام ریشسههای مذهبی و معنوی و عالی بریده، از دستُ رفته است. کردار چنین انسانی هم لزوما بیمفهوم، بی هدف و بی ثمر است» [۳]. این مؤلفه ها در . آثار سورر ٹال و اگزیستانسیالیستی ہے دیدہ مے شود ، امر سورروس و ، دریست سینیستنی هم میتنا هی سود. برخی از آثار بهرام صادقی در این دوران نماینده این ژانر است که همان گونه که ذکر شــد حاصل دگر گونی های اجتماعی و اقتصادی و حتی سیاسی است. بُرای نمونه می توان از «کلاف سـر در گم» یاد کرد. همان طور که از نام اثر هویداست در بیان درماندگی آدمی در شناخت ر از ۱۰۰۰ و نامعلومی را در «نمایش دو پرده» اندوه اسارت، ناکامی، تنهایی و بیگانگی آدمها و پوچی از مضامینی است که در ، ادر بســته» ناصر نیرمحُمدی دیده می شود و به تمام_و صویر جامعــه دوران خــود در واقعیت اســـت. یکی ا پیامدہـای پوچ گرایی که در جامعه هـــم تبلور می بابد، نظام خویشاوندی به گسست عاطفی می رسد و آیا این چیزی جزنمایس ابتذال و سقوط ارزش ها در جامعه نیست؟ کاملامبرهن است که به دلیل رسیدن به پوچی مطلق، مرگ گرایی نیز رواج می یابد که بی تردید صفت دورانی است که بر آن پأس مستولی شده و امیدی به ربر کی ۔ ۔ ۔ . ر ت ۔ ر کی ۔ بهبودی نیست و آیندهای نیز تصور نمی شود؛ لذا گاها مرگ نجات بخش و بهترین گزینه برای رهایی از زندگی

اسطوره هم وار دمی شود. («ملکوت» بهرام صادقی) در درون ادبیات پوچی این دوران، ادبیات پلید شهری نیز جای می گیرد که گاهی منفک کردن آنهااز هم دشوار می کند. در این آثـار «خصایل خوب بشــری به طرزی تحطاط یافته مطرح می شــود[...] نویســنده تمایلات تهدید کننده و ویرانگری را که پس پدیده های به ظاهر بهدید نسده و ورزستری را به پس پدیدهای به عاهر سالمسالسی اجتماعی و صنعتی نهفتالست به مقابر سالم سالم سالم سالم و سیع و مرحقیقت اعترافی آمیز تصویر می کندنا تأثیرات مخرب ایندگونسه پدیدهار ابر جامعه انسسانی و خصایل بشری نشان دهد. [... اداستان های آسور بال آغلامحسین بشری نشان دهد. [... اداستان های آسور بال آغلامحسین

رنجبار تلقی می شُود. مرگ اندیشی آنچنان گسترهای می یابد که حتی علاومبر ادبیات پوچی و بیمار گونه در

آثار او که نمای واقعی جامعه اُس نیز در دل دارد، به موار دزیر اشاره می شـود تا تصویری ملَمُوسُ تــر اُز دورانُ تَارِيخُى موردُبحث به دُســت دَهَدَ: پوســيدگى و مــرگ؛ آدمهــاى تکجعدى؛ شکســت و . نسلیم - که پُیشــتر علت بروز آن ذکر شد؛- سرنوشت محتوم و روابط بی رحمانه و ذلتبار آدمها و بی ریشگی در «استعفانامه»؛ ترسیم جامعه بیمار، عدم درک آدمها از یکدیگر و عدم پیوستگی - که علّت اُن نیز پیَشتر ذکر شده-سرگردانی، تصویر جهان پر از فریسب و پوچی، خودکشی، روشـنفکر بیهدف، هدفهای پوچ در «دو برادر»؛ تنهایی و سرخوردگی اجتماعی و انسان مطرود در «شبان فریبک»؛ حرص مال، فقر، درماندگی مادی ر و روانی، حفظ منافع فردی، شرایط نامطلوب اجتماعی زنان در «گدا»؛ پرداختن به طبقه اجتماعیای که در ين زمان به دليل فاصله طبقاتي ايجاد شده در مشكلات فراواني غوطهور است و درواقع تصوير روشني از مشكلات جامعه شهری است، یعنی زندگی کارمندان دون پایه،





بی پناه، محافظــه کار و دربند دلخوشــیهای توخالی با روحیه تسلیم در برابر هُجُوم شرایطُ ضدبشری و بی بهره از امنیت اجتماعی که در زندگی محقر و یکنواخت خود به جنون و مرگ می رسـند [۵] علاوه بــر مرگ در چند مورداز آثار این برهه، جنون شخصیت ها مطرح می شود ذکر صفات رذیله و درواقع نمایش شهری است که در اُن ارزشها به ضدارزش بدل شده است. این ضدارزشها دُر آثار رئالیستَی/رئالیست اجتماعی، ناتورالیُستی، سوررئالیستی، اگزیستانسیالیستی و حتی رمانتیسم جتُماعي نيز ديده مي شود كه درواقع نُمايش أرمانشهر . وارونه و وضع وارونهای است که در آن آرمانهای بشری به ضد آرمان تبدیل شدهاند[۶]. در آثار بیمار گونه این دوران شخصیتهایی دیده می شوند که به دلیل شکست آمال و اهداف خود و محدودیتهای اجتماعی و فقر و ... به ضدارزش هایی چون بنگ، افیون الکل و مظاهر مادی ُوشنفکراُن نُویســنده نیز دیده میشــود، مانند شاپور رین نــژاد که به دلیل افتــادن در دام اعتیاد جان خودرا رین از دست میدهد. پس بازتایی روشن از جامعه بیمار به دست میدهند حال، آیااین چیزی غیر از همرنگ شدن جماعت و یکدستی آن است که در سطور ابتدایی این



کەبەعشق مردى بەزن شوھردار مى پردازد.برخلاف دھە پيش، زن بەشكل فاحشە وحتى وقيح تصوير مى شود. ه کل در این دوره به دلیل کامجویی های جسمانی، زُن به تمامی سیمایی جسمانی می بابد و در برهنگی معنا و تجسم می شود. در مقابل، تجسم مردان نیز در این میان . ۱۳۰۰ کی در کری کی ۱۳۰۰ در کی در کریی درخور توجه است. در برابر چنین زنی که وقاحت از صفات او بیان می شود، مرد باید چگونه ترسیم شود؟ مردانی رای کی در در ۱۰۰۰ بر مصابل را مقایسه کنید با مردانی که در دهههای پیشین اگرچه اغواگر زنان نشان داده می شدند، اما در نهایت خواهان زنان پاک و وفاداری

آنها بودهاند؛ ولی این بار مردانی تصویر میشــوند که در کافههاو فاحشهخانهها به سرمی برندو سرشار از خشونت و تجاوزند. برای مستند کردن این ادعا شاید اشاره به داستانهای علی اصغر حاج سیدجوادی بی مورد نباشد در آثار او زندگی بد کارهها، عشق های ممنوع، قتل ها و . فودکشی ها، داستان های جنسی - جنایی، زنان وقیح و مردان تجاوز کار،بیماران جنسی –روانی ترسیم می شود؛ ر ت ، رر ر ... ر ب کی ر کردی البته در ضمن آن کنایه ای به اوضاع زمان هم زده می شود مثلادر داستان «پشت دیوار» کیوسک روزنامه فروشی به معادر داستان جیستانیوار عنوصت اورونمهوروسی به یک فاهتمه خانه تبدیل می شود و آن «کتایهای نیشدارار ا قاقلوت دو دوره اجتماعی قبل و بعداز کودتانه است [۷] این آثار علاومبر مطالب مذکور دربردار ندمعقدههای روانی و حتی ناکامی های جنسی هستند که درنهایت چیزی نیست جزبیان خشونت انسان علیه خود خودی که از نیست جزبیان خشونت انسان علیه خود خودی که از

بادرون خودنیست واین آیاهمان اُز خُودبیگانگی آنسان وبی اصالتی نیست؟ وآیاحاکی از گمگشتگی نسلی معلق یُست که نه به خود پیشین می اندیشـد و نه آیندهای را پیش روی می بیند؟ جامعه زنان و مردان را چه می شود که به چُنین خلائی میرسند؟ و نویسنده به چه ادراکی میرسد که بانظر به سرشت این ژانر ادبی، به جنسیت و فسانسان اهانت كرده، علاومبر خشونت به نفي خودو در کل نفی انسان می پر دازد؟ در پُسُ خلق این آثار هرزَ منگارُ دو واکنش نهفته اســت: الف) واکنش خود نویسنده در انتخاب ژانر که در واقع پاسـخ او به اوضاع زمانه است؛ ب) واکنش خواننده که درواقع پاسخ خواننده به متن است و آن هیجان مقطعی مخاطب در جست وجوی گریز ر واقعیات رنجبار زندگی است. زیرا یکی از کار کردهای پن ژانر ایجاد تحریکات جنسی است که در درون خود به حاظ ادبی تجلی کار کردانواع ادبی مبنی بر برانگیختگی

انجام اعمال خردمندانه غافل شده ودر واقع خواهان صلح

تعطفانیی بختی تار دردانون اینی مینی و برادنیوختی است که در برانگیختین هیجانات خواننده و ارضای مقطعی کامپنیافتگی جنسی ظاهر می شود. با توجه به زاویت نگاه به زن این پرسسش نیز به ذهن خطور می کند که آیا این تصاویر، ترسیم کامل زن آن حضور می شد نه با این نصوره نرسیم نام رزن آن دوران است؟ یاهمچنان زنده بودن سنتهایه نظر چنین نیست و اشکارا باطل است اگر بگوییم نورسننده بخطور جامع و کامل، کل زندگی – یا حتیی کل زندگی دوره معینی – را بیان می کنده ۱۸ ایاما در کنار بیشــــر آثار که واقعیت زن جامعه را چنین توصیف می کنند نمونهای را ميرعابدينىمعرفيمي كندكهفارغاز نگاههاي بيمار گونه، ۔ر بیکی رکی ہی۔۔۔ توصیف زن ایرانی آن زمان است. شخصیت آھو خانم در «شــوهر آهوخانم» محمدعلي افغاني كه زن إيراني را با تمام خواری هاوبی حقوقی هانشان می دهد اورنی سنتی است. در مقابل او زن متجددی تصویر می شــود که راه شكستن سنتها رابه غلط طي مي كُند اين اثر به لحاظ قابل سنت و تجددً، سنت و اسارتهای موجود در آن و گذار از آن،بیان خانواده مردسالار و در کل تجسم خانواده در آن زمان درخور اهميت است؛ زيراً بازنمودي از اوضاع سياسي واجتماعي حاكم است.

. از دیگر واکنش های نویسندگان این دوره، طنز پردازی ــت و بیشــتر با هدف و مقاصدی مبنی,ــر «اصلاح است و پیشتر با هلای و معاصدی مبنی... «هسلاح شرایط موجود» و رساندن آن به «شرایط مطلوب» نمود (۱۹ به بیان دیگر در آن همعولا مقاسد نمودار میشود (۱۹ به بیان دیگر در آن همعولا مقاسد است نه هدف» (۱۰ به وسیلهای برای انتقاداز وضع جامعه با ظاهری که خنده را برحی انگیزد و باطنی که به تفکر وامی دارد و آن نمود طنز تُلخ و سیاهی است که در آثار بهرام صادقی دیده می شــود. در آن خندهای که رخ می دهد فی الواقع خنده ای از سر در داست نه خنده ای از ۔ سر شوخ طبعی و شــادی. خَندهُایُ است گریهآور که د أن انتقادي نهفته است به جهت بيداري و تعليم. اما طنز دیگری هم در این دوره دیده می شود؛ طنز صریح وروشن که جنبه سرگرمی دارد و به لحاظ گریز از شرایط موجود مى توان آن رادر ديل ادبيات گريز نهاد.

می بون آن راد دین احیت خریجهاد. حال که از انتقاد سخن رفت آساره به انتقادات نویستندگان مبنی بر نفوذ فرهنگ آمریکا در ایران ضرورت می یابد شاهدان «مدیر مدرسه» آل احمد است که نمایش نفوذ فرهنگ آمریکاییان در میان اقشار تحصيلكر دهمعلمان ويزشكان است كه درواقع به بازتاب . بیلماسی آمریکا در برابر ایران برمی گردند می دانیم که أمريكا ابتدابه قصد فرهنگي و ايجاد روابط فرهنگي وارد یران شد اما این عمل درواقع در راستای اصول س خارجی آن کشور قرار داشـت. گفتنی است در بررسی روابط فرهنگی به دودیدگاه باید نگریست: در دیدگاه اول، «به عنوان علاقه های شخصی، علمی و اجتماعی میان . درده مفیم بریت مسوریه مسورهای دیمو بعدون مسورین ملاحظه سیاســـی و گاه بدون کنترل از جانب دســـتگاه دیپلماسی آن کشــور» مطرح است که البته آمیختگی "." فرهنگی دوسویه را نیز نبایداز نظر دور داشت؛ در دیدگاه دوم، بهعنوان «بخشــی از دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی یک کشــور»موردبحث است. «ریچارد کاتم»، دیپلماســی آمریکایی را در برابر ایران، پدافندی معرفی ىپپىدەسىيى مىزچەيى رەز بورىر پورن، پەسىنىي سورىي مى كند كە در ۳ استراتژى خلاصەمى شود: ۱) استراتژى ھنجارى،بەمعنى، دخدمت گرفتن ھنجار ھايى است كە تمام يا بخشى از جمعيت يك كشور بدان علاقەمندند؛ ۲)استراتژی سـودگرایانه، به معنی توسـل به مردم از طریق پیشنهاد ارضای نیازهای آنان به مادیات یا قدرت؛ ٣) استراتزی زور مدارانه، یعنی استفاده از زور یا تهدید به . نظور کنترل|فرادبابخشهایی|زجمع ین موارد با آرمان کنترل و ثبات و با تکیمه بر مبانی پدافُندی - به وُیژه نوع اول و دوم اَن در برهه مورد بررسی - چون دیگر جریانات سیاسسی در نثر داستانی بازنمود مے یابدو روشنفکر زمانہ را در کُ بورژوازی وابستہ به

انتقادویاُسِ می کشاند صدویانسمی تصمد سخن آخر این که اتحطاط این دوره، نسلی رو به تباهی ساخت تاآن جا که به ابتذال ارزش های انسانی و بی هویتی و پوچی محض منجر شده لذا ادبیاتی سیاه رخ نمود که بازنمودی راستین از روز گار سیاه جامعه است.

ت [۳]سبماداد،فرهنگاصطلاحاتادیی،ص۲۰و۲۱ [۴]همان،ص۲۰ ــن میرعابدینی، صدسال داستان نویسی ...ران، ج (۲۹، از ص ۳۲۵–۳۲۵ [۶]فرزاد قائمی، ادبیات پلیدشــهری و داســتان معاص فارسی، دانشگاه آزادمشهد، ادبیات فارسی، ش ۱۳ [۷]حسنمیرعابدینی،همان،صص۳۷۲و۳۷۳ [٨]رنه ولک واوستین وارن، نظریه ادبیات [٩]محموداكرامىفر،مردمشناسىارتباطاتخودمانى، سص۵۸و۵۹

[1۰]سیروس شمیسا، انواع ادبی، صص ۲۴۰ و ۲۳۵ [۱۱] ر.ک، کـوروش فتحــی و احمــد رشــیدپور، روابط فرهنگــی ایران و ایــالات متحــده آمریکاــ تاریــخ روابط درجی،ش ۲۹، از س۲۳۶–۱۹۷ *درگزینش آثار تمرکزبر صدسال داستان نویسی حسن میر عابدینی بوده است: برای مطالعه بیشتر ر.ک، ج۱و۲، از ص۲۹-۴۰۱.

نگاه منتقد

درباره طرح پیشنهادی وزیر آموزش و پرورش برای بهبود معاش معلمان

رتبهبندي، شدني است يانه؟

طرحنو | آنهــا به پرداخت براســاس نظــام هماهنگ فکــر میکنند و وزیــر میگویدبــا ر تبهبند ان حل می شود. معلم ها، وضع بلا تکلیف استخدام هایشان، مش بیمه و حقوق شان هراز گاهی مطرح می شود و بعد به فراموشی سیر ده می شود. مسئولان می گویند. حقوق آنها با سایر ادارات دولتی هماهنگ است اما به دلیل نبود مزایای جانبی و امتیازات دیگر هنوز در یافتی شــان با کار کنان دیگر دولت فاصله دارد. از طرفی آموزش وپرورش همیشه با کمبود بودجه مواجه بوده که هم بر کیفیت کار آن و هم بدنه آموزشــی تاثیر گذار است. سوال همیشه این بوده که معلمی که نمی توانند بهراحتی زندگی خود را بچرخانند جطور باید با تصام انرژی در کلاس های در س حاضر شود؟ پیشنهادفانی برای حل شدن مشکلات معلمان، رتبهبندی است که به حقوق شان اضافه می کند. «طرح نو»باسوال این که این رادحل تا چه اندازه عملی و کاراست، سراغ دبیر کل کانون صنفی معلمان، یک عضو کمیسیون آموزش مجلس ووزیر سابق آموزش و پرورش رفته است

طرحىبراىقشرىمعدود



حقوقشـــان افزوده نمى،شــ شاید تنها ۲۵ تا ۳۰درصد مشمول این قانون

گفت کــه در برخی ســازمانها بودجههایی هزینه میشود که نباید بشود. ۲۶ سازمان در

کشور وجود دارد که کار فرهنگی می کنند اما فعالیتشان اصولی نیست. بودجه آنها باید

صرف مسائل بااهمیتی چون آموزش وپرورش شود و با هر نوع روشی باید آنها را متقاعد کرد که این بودجه را در اختیار معلمان قرار دهند.

معلمان هم خود را با سایر کشورها مقایسه مىكنند؛ حتى با همسايه هاومي بينند أنها

وضع بسسيار خوبى دارند واين وضع برايشان

ر کی ایر کردے کی غیرقابلقبول میشــود. درحالحاضر دولت توانایی این را ندارد تا وضع معیشتی معلمان

راً بهبود بخشُد و از این رو خیرین مدرسهساز و بســیاری از خانوادهها که به مدارس کمک

بسیبری را حصوصت کید سیرتی د ی کنند،می توانندموثر باشندوعاملی شوندتا موزش و پرورش هزینه هایی را که دار د تاحدی

مرتفع کند. از طرفی می تــوان فکری به حال مرسے عدار عربی بی سور تاری با مسکن انقلاب اسلامی، سازمان منابع طبیعی و سهر می توانند کمک کنند که برای معلمان

ر می از می از است. اجارهنشین،خانهساختهشود.درواقعهمهباید کمک کنند کهمشکلاتمعیشتی فرهنگیان

مرتفع شود و آنها بتوانند زندگی راحت تری را

سيدكاظماكرمي

بحث رتبهبندی معلمان و افزایش حقوق آنها بر آن اساس، مدتهاست که مطرح بوده ت. اما این طرح در درون خود مشکلاتی رانیے داردو آن ھے این اُست که معلمانی که تحصیلات کارشناسے یا کمتر دارند، بر ود و این بهنوعی تبعیض است. درواقع مسأله این است که این افزایــش به چند درصداز معلمان میرســـد؟ " شونداماً بقيه چه؟ تحوُل بقيه چه خواهد شد؟ البته مى دانيم كه دولت مشكلاتي دارد و اين مشکلات مرتب منعکس میشسود.از سویی وزیر آموزش وپرورش هـم بارها مُطرح کرده اسـت که وضع معیشـت معلمان قابل قبول نیست اما پاسـخی که میدهنداین است که تغییر اندک در حقوق ها، میلیار دها تومان هزینه دارد کـه دولت از پـس آن برنمی آید. معلمان هم میخواهند حقوقشــان حداقل در ردیف حقوقی ســایر کارکنان وزار تخانهها قرار بگیرد. درخصوص کمبود بودجه هم باید

اختلاف طيقاتي معلمان وساير كارمندانبايدازميانبرود



این موضوع حالت مبهمی دارد. پیشــنهاد مااین است که اگر میخواهند اعتماد به بدنه موزش وپرورش برگردد، اول بیایند اختلاف طبقاتی ایجاد شده بیت معلمان و سایر کارمندان دولت را توسط قانون نظام هماهنگ برطرف کنند مثل سازمان زندانها، بانکهاو وزارت بهداشت که در سال ۹۳ احکام مختلفی زدند و حقوق ها را بالا بردند. طرح رتبه بندی شــرايط مي خواهدافكار عُمومي را به ُطرُحي مشــغول كند كه قابليت اجرايي ندارد. بعد از این که قانون الحرا کردند بایداین طرح را حرا ین تا مورور بر موسور کرده بین سری برد کنند زیرا مغفول ماندن قانون نظام هماهنگ برای فرهنگیان باعث شده که آنها نسبت به رک کارکنان دیگر حقوق کمتری داشته باشند. همچنین معلمان پیمانی را که از سال ۸۹ به وعده استخدام وبهدليل تخلف دولت قبلي

هنوز پیمانی هستند، تبدیل وضعیت کنند. اما دولت میگوید، چون ردیف استخدامی را پیشخور کردهاند، نمی توانیم تبدیل وضعیت داشتهباشیم. وقتی مصوبه مجلس با آیین نامه اجرایی دولت در تقابل قرار بگیرد، قانون قوی تر استومعلم پیمانی حقش این است که تبدیل وضعیت شود. دیگری وضع بد بیمه است که رسیب سود دیدری رحیه اینده سود کرد. به جای رتبه بند دید به جای رتبه بند یک فرهنگی که به سنین بازنشستگی نزدیک می شود، نیاز به خدمات بیمه درمانی تکمیلی ی رہے۔ دارد ولی بیمههای تکمیلی ضعیف اسے عملُ می کنند.قانون، در موردُفُرهنگیان کامل جرا نشده و چیزهایی بهعُنُوانُ پاداش و مزایا کر در کر کر در سیات کرد کرد کرد کرد به بخشهای دیگـر دولت تعلق می گیرد در این قســمت به شــکل ناعادلانه پرداخت میشود. اگر مسأله بیمه یکبار برای همیشه قوق بازنشستگان وُ وضُع معلمانی که توسط دولت پیشین به شکل آزاد و بدون بیمه جذب شدند بررسی شود،اعتماد به بدنه آموز شوپرورش برمی گردد.در غیراین صورت مسألهر تبهبندى فراربه جلواست

طرحي كه سوالات زيادي رامطرح كرده است



درباره مسأله رتبهبندى معلمان و پيئ وزير علُوم بەراحتَــى نمى توان اظھار نظر كرد. چراکه این طرح به صورت کلی مطرح شده و معمولااین جزیبات هستند که نشان می دهد یک طـرح چه انـدازه می تواند موفق باشــد - در صورت کلی که نگاه می کنیم می بینیم در صورت کلی که نگاه می کنیم می بینیم رتبه بندی معلمان پیشنهاد خوبی است. افزایش داشته باشد و مشکلات معیشتی آنها عل شود. همان طور که میدانید ما در ارتش یا دانشگاه هم ر تبهبندی داریم. مسلما کسی یه سسال ها در ارتش بوده و امسوز به عنوان که سسال ها در ارتش بوده و امسروز به عنوان تیمسار شناخته می شسود با کسی که تازه به ارتش پیوسته قابل مقایسه نیست. در دانشگاه ر می این استاد هم اساتید مرحله به مرحله به عنوان استاد دست پیدا می کنند. به همین دلیل ما موافق رتبهبندی هستیم و فکر می کنیم این یکی

از کارهایی است که می تواند ارزش و شأن معلمانها، ایالاتر بیرد اما در همین مسأله ی، ما با یک دُوگانگی روبه رو هست مانند استادان دانشگاه، ارایه مقالات علم د، پس تکلیف و علماندوزی شــخصی باشً ت. به دست آور دن علم تا حدى روى دوش اســـتاداست و دانشــجواز یکجایی به بعدخــودبایدبه تحقیق و پژوهــشبپردازد. به همین دلیل هم اســـتاد وقت بیشتری دارد . برای این کــه روی دانش اندوزی خود متمر کز شـود. اما دانش آموز در همه مراحــل نياز به دستگیری از معلم خُود دارد. مانگران هستیم که رتبه بنــدی معلمان، بهانه ای باشــد برای این که یک آموز گار تنها به ترفیع و بالارفتن ه خود فکر کند و از دانش آمدوزان خود غافل شود. به همین دلیل است که می گویم تا زمانی کسه یک طسرح با جزییسات نه، نمی توان درباره آن بهطـور جدی اظهار نظر کرد.